

شرح احوال و آثار مرحوم شمس العلماء "خانبهادر میرزا قلیچ بیگ"

اثر: رشید فرزانه پور*

(ص ۹۱ تا ۹۵)

چکیده

متن زیر، حاوی اطلاعاتی است از شرح حال و آثار شمس العلماء «خانبهادر میرزا قلیچ بیگ» از سرآمدان خاندانهای حیدرآباد و از بنیانگذاران زبان و ادبیات سندی و صاحب آثار عدیده.

واژه‌های کلیدی: ادبیات سندی، شمس العلماء، ذکرالموت.

هرگاه کسی بخواهد دربارهٔ مرحوم قلیچ بیگ سخن بگوید و راجع به مقام و ارزش آثار و افکار وی اظهار عقیده نماید خود بایستی شاعر و به زبان سندی آشنایی کامل داشته باشد. بنده شاعر نبوده و به زبان سندی نیز آشنایی کامل ندارم، آشنایی من با خاندان میرزایان ساکن محدّهٔ تندوتوری حیدرآباد سند از روزی شروع شد که با آقای اجمل بیگ فرزند برومند قلیچ بیگ وقتی که از مؤسسهٔ تحقیقات سندی وابسته به دانشگاه سند دیدن می‌کردم اتفاق افتاد و این دیدار باعث شد تا باب رفت و آمد دو خانواده (میرزا فریدون بیگ و میرزا خسرو بیگ) به خانهٔ فرهنگ ایران باز شود که خوشبختانه این دوستی از آن روز ادامه پیدا کرد و به نتایج ثمربخشی رسیده است.

چهار سال پیش از کتابخانهٔ بزرگ میرزا قلیچ بیگ دیدن کردم ملاحظهٔ تصاویر

* خوشنویس و مسؤول اسبق خانه فرهنگ ایران - لاهور

بزرگان ایران و پاکستان روی دیوارهای کتابخانه مرا بر آن داشت تا از تاریخ گذشته این خاندان سؤالاتی بکنم. شمه‌ای از آمدن میرزا خسرو بیگ گرجی و میرزا فریدون بیگ و سایر گرجیان به سند سخن رفت مشاهده تصویر نقاشی شده زیبای قلیچ بیگ که اطاق پذیرایی را زینت داده بود، مرا واداشت تا از شرح حال آن مرحوم پرسشی کنم آقای اسد بیگ فرزند قلیچ بیگ مرا مخاطب قرار داده گفت:

قلیچ بیگ فرزند سوم فریدون بیگ است. بنای این کتابخانه به دست وی انجام گرفته وی نویسنده مصنف و مترجم ۴۵۷ جلد کتاب به زبانهای فارسی، سندی، اردو، عربی، انگلیسی و بلوچی می باشد.

آن روز فرصتی دست داد تا اطلاعات جامعی از شرح حال این بزرگمرد کسب کنم. مدت یکسال و نیمی که در حیدرآباد مشغول انجام وظیفه بودم سعی کردم قلیچ بیگ را بهتر بشناسم و به فضائل اخلاقی وی آشنا بشوم هرچه در این باره کاوش کردم بر تحیرم افزوده شد وقتی شنیدم وی روی درخت اهداس در باغی نزدیک منزل مسکونی خود که مشرف به باغهای سرسبز و کانال پرآب پللی آشیان ساخته و هر روز صبحگاهان در آنجا مکان می گرفت و با نوای طبیعت دمساز می شد و دور از اغیار و هیاهوی جمعیت افکار پخته خود را روی کاغذ ثبت و ضبط می کرد بیشتر خیرت کردم گویا عقیده وی این بود "انسان مانند چراغی است و فایده اش موقعی آشکار خواهد شد که اطراف خود را روشن کند".

او با گرفتاریهای زیاد با علو روح، آنی از کارهای اجتماعی غافل نبود در تربیت فرزندان خود اهتمام بسیار داشت و آنها را با روح تعلیمات اسلامی تربیت می کرد بدین سبب است که خاندان او از لحاظ اخلاق، کردار، ایمان و امانت سرآمد خاندانهای حیدرآباد هستند.

در زندگی قلیچ بیگ بلندپروازی دیده نمی شود همچون دریایی است آرام با درّهای گرانبها آنجا که در یکی از اشعار سندی خود می گوید:

پدرم فریدون، پدر بزرگ مادری ام خسرو و نامم قلیچ است. نیاکان من نام پادشاهان داشتند ولی من فقیر و درویشم.

اگر اوراق دفتر زندگی و آثار فکری قلیچ بیگ را ورق بزیم به نکات سه گانه زیر که در واقع خدمات علمی، ادبی، فرهنگی و مذهبی آن مرحوم را دربر گرفته و شامل دریای بیکرانی است از نصایح و اندرزهای مفید اجتماعی توجه خواهیم نمود.

۱. خداشناسی

الف. از خصایص عمده این مرد بزرگوار خداشناسی و حاضر و ناظر دانستن خدایتعالی در همه امور بوده است. در یکی از قفسه‌های کتابخانه شخصی او در میان یک مشت لوازم التحریر قطعه آهنی به شکل قبرهایی که در خطه سند به چشم می خورد با پوشش قرمز رنگی دیده می شود. در مورد استعمال این قطعه آهن که به جای (کاغذ نگهدار) (Paper Weight) بکار می رفت. از آن مرحوم سؤال شده بود علت چیست که این قطعه آهن را به این شکل بکار می برید؟ و پاسخ این بود: هر وقت دست به قلم می برم نگاهم به این قطعه آهن می افتد خدا را یاد می کنم و منظره قبری را که باید در آن آرام بگیرم در نظرم مجسم می شود.

ب. در گوشه‌ای از محله تندوتورو در حیدرآباد آرامگاه ابدی این خاندان به چشم می خورد قلیچ بیگ در زمان حیاتش قبری برای خود ساخته بود که شبهای جمعه در آن قدم می نهاد و با حضور قلب خدا را یاد می کرد الحق این شیوه مردان خدا و ایمان آورندگان به درگاه کبریایی است که چراغ راه سعادت است برای جلوگیری از لغزشها و فریفته شدن به لذتهای آنی این دنیای افسونگر.

ج. همیشه خود را برای مرگ آماده می کرد و مترصد استقبال از آن بود. دلیل این مطلب کتابچه‌ای است به نام "ذکرالموت" که برای هر سال از عمرش شعری به زبان فارسی می سروده و وصیت کرده بود آخرین شعر این کتابچه را روی لوحه قبرش حک کنند و بالاخره آخرین ورق این کتابچه با این شعر شروع می شود:

عمرم به همین سال چو هشتاد شد و هفت آمد ملک الموت ز درگاه حق آخر
گفتا که بسی زیستی در منزل دنیا شو عازم عقبی که بینی رخ داور
از فرط مسرت زدم آهی و بمردم در عالم ارواح رسیدم دم دیگر
در اینجا دیگر ورقی به این کتابچه اضافه نگردیده و دفتر عمر بزرگمردی چون
قلیح بیگ بسته می شود.

۲. خدمات علمی و ادبی میرزا قلیح بیگ و عقاید صاحب نظران درباره آن مرحوم
الف. در اینجا باید نظر آقای پیرحسام الدین راشدی محقق محترم این آب و
خاک را ذکر نمایم. آقای راشدی می گوید: من حساب کرده ام اگر قلیح بیگ از بیست
سالگی شروع به تألیف کتاب یا شاعری کرده باشد با توجه به ۴۵۷ جلد کتابهایی که
نوشته است به طور قطع در مدت ۵۷ سال روزانه پنجاه صفحه تألیف و تصنیف و
ترجمه داشته است. به طور کلی می توان گفت قلیح بیگ بنیانگذار زبان و ادبیات
سندی بوده و خدمات وی به این زبان فراموش نشدنی است.

ب. آقای ا-ک بروهی وزیر سابق دادگستری پاکستان وقتی که تألیفات چاپ
شده قلیح بیگ به دستشان می رسد به حیدرآباد آمده و از کتابخانه آن مرحوم دیدن
می کند ضمن اظهار خوشوقتی از ملاقات با افراد این خاندان و آشنایی به طرز
زندگی و آثار دو نفر از فرزندان استان سند که آثار جاویدان از خود باقی گذاشته اند
می گوید:

به مصداق حدیث نبوی: انا مدینه العلم علی بابها شاه عبداللطیف بهتائی شاعر و
صوفی بزرگ سند مدینه علم سندی است و قلیح بیگ دروازه آن است.
وضع خانوادگی و محیط زندگی او باعث گردید که میرزا قلیح بیگ به کارهای
علمی و ادبی مبادرت نماید. علاقه وافر وی به فرهنگ موجب شد یکی از نوابغ
سند شده و در ادبیات سندی به مقام شامخی برسد. نامبرده به ۶ زبان آشنایی کامل
داشت و یکی از شعرای بنام سندی و ادیب تمام عبار ادبیات سندی بوده است. او

را به القاب شکسپیر سند، سعدی سند، عمر خیام سند و پدر ادبیات سند نیز یاد می‌کنند. وی نه تنها ادیبی مبتکر بود بلکه مترجمی چیره‌دست نیز به شمار می‌رفت. وی نقالات بیکن را از انگلیسی و گلشن راز شبستری و کیمیای سعادت را از فارسی به زبان سندی برگردانید که تا آن زمان کسی در استان سند اقدام به چنین تدوینی ننموده بود. میرزا قلیچ بیگ مورخ، جغرافی‌دان، شاعر، ادیب، فیلسوف، منجم و داستان‌نویس نیز بوده وی در حدود چهارصد و پنجاه و هفت جلد کتاب و رساله به رشته تحریر درآورده و گنجی گرانبها در ادب و فرهنگ به یادگار گذاشته است.

کتاب و تألیفاتی که از آن مرحوم به زبانهای مختلف به جا مانده به شرح زیر است:

۱. ادبیات سندی ۳۸۵ جلد

۲. ادبیات انگلیسی ۴۱ جلد

۳. ادبیات فارسی ۲۲ جلد

۴. ادبیات عربی ۳ جلد

۵. ادبیات اردو ۵ جلد

۶. ادبیات بلوچی ۱ جلد

در سال ۱۹۳۴ دولت بریتانیا به مناسبت خدمات شایسته این مرد بزرگ به ادبیات سندی و انگلیسی او را به نشان شمس العلماء مفتخر کرد حقیقتاً جای آن دارد که ما ایرانیان و پاکستانیها، علی‌الخصوص مردم خطه سند به وجود این عالم، ادیب، شاعر، مترجم و مصنف افسانه‌نگار بنازیم و ببالیم و او را از بزرگترین مفاخر دو ملت ایران و پاکستان بدانیم و کتابهای او را که در هر باب سخن گفته است از مدنظر دور نداریم و آنها را بخوانیم و به روح پرفروش آن نیکمرد اندیشمند درود بفرستیم.